

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: مهدی داریوش ناظم رعایا

برگردان از: مسعود ناظم رعایا

۰۹ نومبر ۲۰۱۲

## وضعیت کنونی در سوریه

واقعا در سوریه چه خبر است؟؟

مهدی داریوش ناظم رعایا نویسنده و تحلیلگر ژئوپلیتیک جامعه شناس و دانشیار پژوهشی در مرکز تحقیقات جهانی سازی است. او نویسنده کتابهای "جهانی شدن ناتو" و "آینده جنگ در لیبیا و استعمار مجدد افریقا" است. نوشته های او به بیش از بیست زبان زنده دنیا ترجمه شده است. او در سال ۲۰۱۱ جایزه ملی باشگاه مطبوعات مکزیکی را به دلیل روزنامه نگاری پژوهشگرانه بین المللی به دست آورد.

\*\*\*\*\*

### جنگ اطلاعاتی در سوریه

نسبت به جنگ در سوریه دیدگاههای گوناگونی وجود دارد. سوریه در حال حاضر صحنه جنگ سرد بین ایالات متحده، ناتو، اسرائیل، و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) از یک سو و روسیه، چین، ایران، و بلوک مقاومت از سوی دیگر است. در میان جنگ بین دولت سوریه و نیروهای ضد دولتی، جنگ اطلاعاتی شدیدی نیز در حال رخ دادن است.

در ماجرای بمبگذاری در سوریه، سرویس اطلاعات خارجی المان انگشت خود را به سوی القاعده نشانه رفته است. با این حال، این اثر پنهان نقشی است که سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده و متحدان آن بازی کرده اند. به اعتباری القاعده، در حال کمک به واشنگتن و متحدان آن است. البته القاعده به مراتب بیش از فقط یک دارائی اطلاعاتی ایالات متحده است، امریکا از سازمان ها و القاعده به هزار روش استفاده می کند تا عملیات سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) و دیگر سرویس های اطلاعاتی وابسته را پنهان سازد.

تعدادی از روشنفکران و دانشمندان سوریه نیز در دمشق به قتل رسیدند. به سان عراق و ایران، آن کار احتمالاً کار موساد اسرائیل است و بخشی از سیاست تل آویو است که از پیشرفت های علمی و فن آوری در کشورهای دشمن

جلوگیری می‌کند. منابع آگاه در واشنگتن در حال حاضر به روشنی معترفند که اسرائیل در حال کمک به "ارتش آزاد سوریه" و مشارکت فعالانه در جنگ اطلاعاتی علیه سوریه است. یک مقام امریکائی که نامش ذکر نشده به دیوید ایگناتیوس تأیید کرد که هر دو سازمان سیا و موساد در سوریه درگیر شده‌اند. به زبان خودشان: "تعداد زیادی از افسران اطلاعاتی اسرائیل نیز در امتداد مرز سوریه عملیاتی هستند، هر چند آنها در سطوح پائین می‌باشند." از مشارکت و همکاری قطر در پروژه‌های اسرائیل نیز نامی به میان آمده است.

### **بمب گذاری در ستاد امنیت ملی و واحد بحران سوریه در دمشق**

هنوز بسیاری از پرسشهای بدون پاسخ در مورد بمب گذاری در ستاد امنیت ملی سوریه در تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۱۲ وجود دارد. کمی از واقعیت رخ داده دقیقاً شناخته شده است. افزون بر این، تلویزیون و رسانه‌های سوریه صحنه‌های انفجار رانشان نمی‌دهد که ممکن است به دلیل ماهیت امنیتی محل بمب گذاری باشد. اعضای کلیدی امنیتی سوریه و ساختار فرماندهی نظامی، داوود رجیحا، آصف شوکت، و حسن ترکمنی، در تاریخ ۱۸ جولای کشته شدند. رجیحا وزیر دفاع سوریه، معاون نخست وزیر، و معاون فرمانده نیروهای مسلح سوریه بود. آصف شوکت معاون وزیر دفاع و شوهر بشره خواهر بزرگتر بشار اسد بود. حسن ترکمنی دستیار معاون رئیس جمهور سوریه، رئیس عملیات مدیریت بحران سوریه بود که پیشتر در ۲۰۰۹-۲۰۰۴ وزیر دفاع بود. هشام بختیار رئیس اداره امنیت ملی سوریه، که در بمب گذاری شدیداً آسیب دیده بود، دو روز بعد در تاریخ ۲۰ جولای مرد. همه این افراد تشکیل دهنده واحد بحران سوریه بودند.

### **کشتار اعضای واحد بحران توسط سرویس های اطلاعاتی خارجی**

منابع عربستان سعودی گزارش کرده‌اند که مقامات سوریه توسط ماهر اسد فرمانده گارد رئیس جمهوری به دلیل شکاف بین آنها کشته شدند. منابع پاکستانی، با این ادعا که گزارش‌های مستقیم از عاملان بمب گذاری ۱۸ جولای دریافت کرده‌اند می‌گویند ماهر آل اسد نیز هدف بوده و در بمب‌گذاری زخمی شده است. بمب‌گذاری در ستاد امنیت ملی سوریه در واقع دومین تلاش برای کشتن تجمع نیروهای نظامی امنیتی و مقامات اطلاعاتی سوریه است. خارج از کنترل ارتش سوریه، حکومت ترور و حملات وحشیانه و بی‌معنی بر مردم غیر نظامی و اعمال مختلفی از بی‌قانونی و تروریسم توسط "ارتش آزاد سوریه" دیده می‌شود. سکوت در مورد قتل‌ها به وفور دیده می‌شود.

"ارتش آزاد سوریه" احتمالاً کنار ایالات متحده و متحدانش، خود را برای این حمله هدفمند و حساب شده مجهز کرده بوده است. این عملیات احتمالاً به طور مستقیم یا توسط سازمان‌های اطلاعاتی ناتو و یا شورای همکاری خلیج فارس یا یک کنسرسیوم از سازمان‌های اطلاعاتی انجام شده است که برای سرنگونی دولت سوریه تلاش می‌کنند.

### **عملیات آژاکس در دمشق**

حمله به ستاد سوریه امنیت ملی به دقت با زمان حمله به دمشق توسط گروه‌های مختلف مسلح تحت پوشش "ارتش آزاد سوریه" هماهنگ شده بود. روشن است که ایالات متحده و متحدان از همان تاکتیکی در دمشق استفاده می‌کنند که در سال ۲۰۱۱ برای سرنگونی دولت قذافی در طرابلس استفاده کردند. هر دوی این عملیات با عملیات بدنام آژاکس، که در سال ۱۹۵۳ توسط ایالات متحده و دولت بریتانیا در ایران برای سرنگونی دولت دموکراتیک نخست

وزیر محمد مصدق راه اندازی شد، هماننداند. واشنگتن و لندن دیکتاتوری خشن و سرکوبگر محمد رضا شاه را به جای حکومت دکنتر مصدق در ایران ایجاد کردند تا حکومت ایران را از سلطنت مشروطه به سلطنت بالفعل مطلق تبدیل کنند.

هدف از حمله به مقامات بلندپایه سوریه، به ویژه به چهره های مهم ارتش و دستگاه امنیتی که ستون فقرات رژیم سوریه بودند، دو جانبه بود. هدف حمله فلج سازی ساختار سلسله مراتب سوریه با هدف فروپاشاندن مقاومت در برابر نیروهای ضد دولتی و ایجاد وحشت در درون سلسله مراتب نظامی دولت سوریه بود. این ضربه روانی می کوشید ترس را گسترش دهد تا نیروهای نظامی سوریه در برابر نیروهای ضد دولتی که قصد حمله به دروازه های پایتخت سوریه را داشتند، به خیانت تن دهند.

رسانه ها همچنین نقش مخالف دولت دمشق را ایفاء کرده اند. انحصار امنیت اطلاعات و امواج هوا نیز بخشی از جنگ اطلاعاتی و از اهداف ایالات متحده و متحدان آن است. به همین دلیل سیگنال های شبکه های سوریه از سازمان ارتباطات ماهواره ئی عربی (Arabsat) و NILESAT حذف شده اند. هدف آن است که سوریه از مقابله با ادعاهای ایالات متحده و متحدان آن عاجز شود. در همین راستا ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تلاش اند برای کاهش و جلوگیری از ایستگاه های ماهواره ئی ایرانی، که رسانه های جریان اصلی ناتو و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به مبارزه می طلبند، اقدامات آبی و مؤثری انجام دهند. به همین دلیل رسانه های امریکا و بریتانیا رسانه های ایرانی، روسی و چینی را محدود می کنند که پوشش خبری خود را از بحران سوریه نداشته باشند چرا که آنان می توانند اطلاعات غلط شبکه سی ان ان، فاکس نیوز، فرانسه را زیر سؤال ببرند.

مانند عملیات اصلی آژاکس در سال ۱۹۵۳، که در آن بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (BBC) شرکت کرد، رسانه های ناتو و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای شکل دادن حوادث بر روی زمین هماهنگ شده اند. هنگامی که حمله نیروهای ضد دولتی به دمشق آغاز شد جنگ رسانه ها شدت یافت. هدف آن بود که ناامیدی در دولت سوریه به وجود آید و نیروهای نظامی سوریه به جای آن که با نیروهای ضد دولتی رویاروی شوند پراکنده شوند. اهداف نهائی، تضعیف روحیه مردم سوریه و تضعیف حمایت داخلی از دولت سوریه است.

رسانه های ناتو و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر فرار پرزیدنت اسد و خانواده اش از دمشق و پناهندگی به فدراسیون روسیه متمرکز بودند. بنا به گفته سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، اسد "حتی در مورد آن فکر نمی کرد". سابقه این کار دروغ وزیر امور خارجه بریتانیا است که در ۲۰۱۱ گفت معمر قذافی از لیبیا به ونزوئلا فرار کرده است.

### **رئیس اطلاعات عربستان: بازگشت شاهزاده "بندر بوش"**

مدت کوتاهی پس از بمب گذاری در ستاد امنیت ملی سوریه، در ۱۹ جولای، فرمانی سلطنتی در ریاض به تصویب رسید که شاهزاده بندر بن سلطان آل سعود به عنوان مدیر کل آژانس های اطلاعاتی خارجی پادشاهی عربستان سعودی منصوب شد. شاهزاده بندر، از سال ۲۰۰۵، دبیر کل شورای امنیت ملی عربستان سعودی بوده است. از انتصاب تازه می شود استنباط کرد که عربستان سعودی می خواهد یک سیاست خارجی تهاجمی تر داشته باشد. انتصاب نشان دهنده این است که عربستان سعودی به طور کامل با ایالات متحده در جنگ های اطلاعاتی علیه ایران و سوریه همکاری خواهد کرد و مردان واشنگتن در ریاض با عربستان سعودی در امور اطلاعاتی، امنیتی و دستگاه نظامی شریک بزرگتری خواهند شد.

شاهزاده بندر، پسر مرحوم سلطان بن عبدالعزيز آل سعود، یکی از چهره های مطرح در ایجاد القاعده و گروه های شبه نظامی است که به عنوان ابزار جغرافیای سیاسی واشنگتن در زمان جنگ سرد استفاده می شدند. او سفیر عربستان در ایالات متحده در سالهای ۲۰۰۵-۱۹۸۳ بود. او از چهره های کلیدی در جنگ اطلاعاتی در لبنان در برابر حزب الله و متحدان آن و از بانیان فتح الاسلام است که برای کمک به خانواده حریری و ائتلاف ۸ مارچ لبنان در برابر حزب الله بسیار کوشید.

از آنجا که او سفیر عربستان در واشنگتن بود، نقش کلیدی در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی دارد و آن قدر به خانواده بوش نزدیک است، که او را "بندر بوش" نامیده اند. او با سرویس مخفی ایالات متحده رابطه نزدیکی دارد. افزون بر این، او با رابرت گیتس، سابقه ای طولانی در دوستی دارد. این دوستی به زمانی بر می گردد که بیل گیتس عضو سازمان سیا بود و به بسیج جنگجویان در افغانستان علیه شوروی مشغول بود. بندر نیز ممکن است نقش کلیدی در مذاکرات عربستان سعودی با پاکستان جهت خرید بمب های هسته ئی داشته باشد. مجله بین المللی یونایتد پرس می نویسد:

"همانطور که ایران خطرناک تر می شود و ایالات متحده تمایل به درگیری در مأموریت های نظامی در خارج از کشور پیدا می کند، ممکن است پاکستان و عربستان سعودی دریابند بهترین راه همکاری های نظامی و هسته ئی است"

تصویری که UPI به تصویر می کشد در واقع گمراه کننده است. اگر کسی در حال هل دادن عربستان سعودی برای به دست آوردن سلاح های هسته ئی باشد، آن کشور ایالات متحده است. ایالات متحده در همه این سالها به شدت مشغول مسلح کردن رژیم عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس بوده است. یکی از ابعاد ستراتیژی ایالات متحده روشن است: واشنگتن قصد دارد برای ایجاد درگیری های متعدد و مداوم در خاور میانه، منطقه را به باتلاقی از خون و خونریزی تبدیل کند و آن را بی حرکت نگاه دارد. چونان اسرائیل، ایالات متحده می خواهد به طور دائمی جنگ داخلی در عراق، لبنان، یمن، سوریه، و حتی ترکیه شعله ور باشد.

### سیاست "تغییر مسیر" بوش، سیاست آشکار اوباما

ارتش ملی ایجاد شده در یمن دقیقاً همان چیزی است که واشنگتن و متحدان آن در ناتو و شورای همکاری خلیج فارس می خواهند آن را در سوریه تکرار کنند. تغییر رژیم تنها هدف آنهاست. هدفی که نابودی و بالکانیزه کردن جمهوری عربی سوریه را در پی دارد. آنها می خواهند فرقه گرائی و بالکانیزه کردن، در سوریه و در سراسر خاور میانه ریشه بدهند. به عبارتی "اسرائیل و متحدان سنی علیه شیعیان". به روشنی هدف این است که خاورمیانه تقسیم شود و در برابر یکدیگر بایستند.

این بخشی از سیاست شرق میانه است که بوش پسر در کاخ سفید، در سال ۲۰۰۷ به نام "تغییر مسیر" آن را مطرح کرد. ستراتیژی جدیدی که ایالات متحده در رویارویی با ایران و بخش هایی دیگر از منطقه به آن می اندیشد (گسترش درگیری های فرقه ئی بین شیعیان و مسلمانان سنی). سخنرانی باراک اوباما در قاهره، "آغاز جدید" گسترش این سیاست است.

صرف نظر از موضع سیاسی در مورد اسد و دولتش، دولتهای ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ترکیه، عربستان سعودی، و قطر خود را تحت پوشش "جامعه بین المللی" نگران مردم سوریه می دانند و خود را متولی آنها می نامند. انسانگرایی و حقوق بشر انگیزه درگیری ایالات متحده و متحدانش نیست. این یک داستان ساده است.

جغرافیای سیاسی و فرصت طلبی است که بازی را کش می دهد و همه طرف های درگیر از خون مردم سوریه در این کار هزینه می کنند

برگرفته از: "مجله سیاسی خیری هنری"

لینک مقاله به زبان انگلیسی

[aid=32134&http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va](http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=32134)